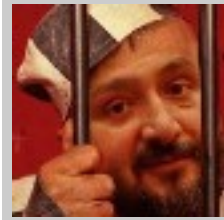


## شما کدام شکنجه را دوست دارید؟!؟



در پی اعترافات سران اصلاحات نظیر سعید حجاریان و محمد عطریانفر و در حالی که احتمال هرگونه شکنجه روی این افراد کاملاً منتفی است روزنامه های زنجیره

ای مدعی شدند زندانیان سیاسی تحت «شکنجه سپید» بوده اند! برای روشن تر شدن موضوع به بررسی انواع مختلف شکنجه می پردازیم:

شکنجه سیاه: این نوع شکنجه که از دوران باستان استفاده می شده شامل خشونت شدید در گرفتن اعتراف می شود. البته هر عقل سلیمی تصدیق می کند کسی که با لپ گل انداخته روی صندلی نشسته و مثل بلبل حرف می زند نمی تواند تحت شکنجه بوده باشد. کسی که در شرایط عادی برای زنده ماندن به مراقبت های پزشکی نیاز دارد را هم نمی توان اینگونه شکنجه کرد.

شکنجه سپید: همان شکنجه ای که روزنامه های زنجیره ای به آن اشاره کرده بودند. شامل چند روز زندان انفرادی در سوئیت های اختصاصی هتل اوین، آب درمانی برای زندانیان دارای مشکل جسمی، دسترسی به تلویزیون و روزنامه و قابلیت اتصال به اینترنت برای وب نوشت نویسی، بزرگترین تورسین های اصلاحات در این شرایط سخت و تحت این شکنجه های جانفرسا مجبور به اعتراف شده اند!

این شکنجه های غیر انسانی زمانی فاش شد که برخی رسانه های خارجی عکس های فحشیه ای از آب درمانی حجاریان، آمیوه خوردن عطریانفر، سرچهای اینترنتی ابطحی و آفتاب گرفتن شریعتی در زندان را منتشر کردند. شکنجه سبز: این نوع شکنجه در مورد حامیان جنبش سبز اعمال می شود. به این صورت که در مقابل زندانیان مقادیر زیادی پارچه سبز پاره پاره می شود و زندانیان روی آنها راه می روند. همچنین در مواردی گزارش شده است زندانیان را مجبور کرده اند با دستمال سبز بینی خود را پاک کنند. عده ای از حامیان این طیف که تحمل توهین به رنگ سبز را نداشته اند در اثر شکنجه سبز وادار به اعتراف شده اند.

شکنجه های قرمز و آبی: در مورد زندانیان فوتبال دوست ازین روش استفاده می شود. شکنجه قرمز روی طرفداران تیم استقلال و شکنجه آبی روی طرفداران تیم پیروزی اعمال می شود. در این شکنجه صحنه های گل خوردن و باخت تیم مورد علاقه و صحنه های گل زدن و برد تیم رقیب برای زندانی پخش می شود. همچنین بازجویان زندانیان استقلالی را مجبور به گفتن لاپروسیس سرور استقلال می کنند و بالعکس این شکنجه ها باعث تضعیف روحیه و اعتراف زندانی می شود.

شکنجه صورتی: بهترین روش شکنجه برای زندانیان احساساتی شکنجه صورتی است. در روش شکنجه صورتی زندانی در شرایطی خاص بازجویی می شود. روی میز بازجویی یک دسته گل و یک دیوان حافظ قرار می گیرد. در حالی که اتاق تاریک است چند شمع روی میز روشن می شود و بلندگوی اتاق آهنگ هتل کالیفرنیا پخش می کند. در این هنگام بازجو مقابل زندانی می نشیند و می گوید:

دل عالمی بسوزی چو عذار بر فروزی  
تو ازین چه سود داری که نمی کنی مدارا؟  
و زندانی در حالی که اشک از گوشه چشمش روان است می گوید:  
دارم امید عاطفتی از جناب دوست  
کردم جنایتی و امیدم به عفو اوست  
دانم که بگذرد ز سر جرم من که او  
گرچه پریوش است ولیکن فرشته خوست  
و به همه چیز اعتراف می کند و داستان به خوشی تمام می شود (پخش آهنگ هندی).

انسان همینجوری بدون هیچ دلیل خاصی و شاید برای خوشایند دوستان، یاد جمله ای می افتد، آنهم از عباس عبدی! آنهم در کجا؟ شهروند امروز! چه می گوید؟ "بدون مبارزه علیه دروغ و حساسیت داشتن نسبت به آن نمی توان کوچکترین گام موثری را علیه کاهش فساد برداشت و به طریق اولی بیان هر نوع دروغی ولو با هدف به ظاهر خیر، جز به گسترش فساد کمکی نمی کند."

آری اینها بخشی از یادداشت "مراتب دروغ" عباس عبدی از نظریه پردازان اصلاح طلب در نشریه شهروند امروز است. حال مناسبتش چیست؟ می گوئیم!

راستش همه چیز با یک دروغ شروع شد، اینجا هم بگذارید قضاوت را بر عهده عباس عبدی بگذاریم که یقیناً باید مورد

اعتماد دوستانش باشد. عباس عبدی می گوید: "از کودکی که درس چوپان دروغگو را

می خواندیم، قابل فهم بود که عواقب دروغ چگونه گریبان دروغگو را می گیرد"

آری! وقتی اولش با دروغ شروع شود، تقریباً قابل فهم است که ادامه اش به چه شکلی باید پیش برود. وقتی آدم دروغ اول را گفت، بقیه اش را هم باید برود، تند و آهسته اش دیگر زیاد توفیر نمی کند. مهم این است که به کجا ختم می شود.

وقتی همه چیز با ادعایی با عنوان "تقلب" شروع شد، عباس عبدی چند سال پیش پیش بینی کرده بود که وضعیت دوستانش به چه شکل خواهد بود! آری، حتی عباس عبدی هم پیش بینی کرده بود.

پس از اینکه دروغ بودن ادعای تقلب با سخنان ابطحی، عطریانفر، حجاریان، شریعتی و ... روشن شد، قدم بعدی چه بود؟ نفس می گوید دروغ بعدی، عباس عبدی هم می گوید لابد دروغ بعدی! بنابراین قدم دروغ بعدی را باید جوری گفت که اولاً ربطی به دروغ اول نداشته باشد، ثانیاً به قدری بزرگ باشد که باور کردنش چندان مشکل نباشد. فردش هم آماده است؛ مهدی کروبی. دروغش هم نیازی به فکر زیاد ندارد، پیش پا افتاده است: تجاوز جنسی به زندانیان. اما کسی که حرفی می زند باید به فکر کمترین سندهایی برای آن باشد، یا حداقل کمی زنگ باشد و سندهای جعلی اما باورکردنی درست کند.

اولش با "الف.شین" شروع می شود و ادعا می شود که به او تجاوز جنسی شده اما وقتی وی برای پیگیری شکایتش به کمیته پیگیری این موضوع فراخوانده شده و با چند سوال روبرو شده و جواب های متناقضی تحویل می دهد، ترجیح می دهد برای بدتر نشدن اوضاع، فرار کند! تا حالا که موضوع در حال لو رفتن است، بخیه ای نیز به آن بزنند و در سایت حزب اعتماد ملی بگویند که "یکی از قربانیان مورد ادعای کروبی در بحث تجاوز جنسی از سوی گروه های گمنام بر بوده شد" ولی خوشبختانه یا متأسفانه نقش در می آید که اولاً همین آقای "الف.شین" با یکی از اعضای حزب اعتماد ملی در همین روزهای فرار ارتباط تلفنی داشته و هدایت می شود و بدتر اینکه این آقای "الف.شین" سر از جایی در می آورد که آقای کروبی هم اینجایش را انشاءالله که خوانده است. بله، آقای "الف.شین" چند روز بعد در کلیبی که در سایت یکی از اپوزیسیون های خارج نشین منتشر شد ظاهر می شود. از فرمایش هم مصاحبه های بی در پی که با رادیو فردا و ... انجام می دهد.

پس این هم یک دروغ! اما عجله نکنید. الف.شین که نشد، نوبت به دختری می رسد که باید از او شهید

بسازند؛ اما نه تنها خودش باید شهید شود، بلکه پدرش هم باید شهید باشد. اگر هم نیست، خدا پدر سایت های زنجیره ای را



عذرخواهی کنم. پس این هم یک دروغ! بگذریم و برویم سراغ اصل موضوع! اما پس از پایان این ماجراها و در آستانه بازگشایی دانشگاه ها، و از آنجا که برخی ها از چند ماه قبل منتظر آغاز سال تحصیلی دانشگاه ها و شروع مجدد غائله ها از دانشگاه و سپس سرایت دادن آن به جامعه بودند، حتماً باید دستاویزی برای این کار خود در نظر می گرفتند.



بیمارزد. سایت مشارکت هم که پایه ای این جور کارهاست. بنابراین، دختری که از خانه فرار کرده سوزه می شود و از طرف مسئولان ستاد موسوی و برخی نمایندگان مجلس مانند کاتوزیان هم به مادر وی اصرار می شود که الا و بلا دخترت را کشته اند و جنازه اش را هم سوزانده اند تا تجاوزی که به او شده، مشخص نشود. وقتی هم مادر این دختر انکار می کند که اینگونه نیست، احتمالاً به او گفته می شود که شما هنوز گرم هستی نمی دانی، والا دخترت را کشته اند، تازه تجاوزش هم کرده اند.

اینکه شهید نبودن پدر این دختر از سوی خواهرش به کروبی مؤکداً بازگرد می شود، بماند، چندی بعد دختر خانم مذکور ظاهر می شود. ۲۰:۳۰ هم از خدا خواسته، مصاحبه ای با او می گیرد و پخش می کند تا ...

پس این هم یک دروغ دیگر! اینها که نشد، خودی ها باید کمک کنند، همسر جواد امام با سایت های دوم خردادی مصاحبه و ادعا می کند که دختر عزیزش را گروه های فشار! دزدیده و به او اهانت کرده اند و در مکانی نامعلوم و نامناسب نگهداری می کنند.

هر چند این موضوع می رفت تا آبروی رفته برخی ها را تا حدودی مجدداً بازگرداند، اما وقتی همه جای یک کار را نخوانده باشی، ممکن است مصداق این حدیث شوی که دروغگو عاقبت رسوا می شود. شائزه های رسانه ای شروع می شود، بی بی سی و سی ان ان و العربیه و سایت های زنجیره ای هم که بدجور پای کار، اما...

آنقدر ماجرا پیچ می خورد تا اینکه خود همسر جواد امام در مصاحبه با سایت دوم خردادی پارلمان نیز می گوید: دختر بنده

# چوپان "دروغ" گوی سیاست

در اقدامی ماجراجویانه و با توجه شرایط خاص روحی و روانی ناشی از دستگیری پدرش که موجب نگرانی خانواده و بنده شده بود، چنین اقدامی را کرد. وی با بیان اینکه متأسفانه اقدام و مصاحبه من به عنوان "مادر"، واکنش احزاب و رسانه ها را در پی داشته است، اظهار داشت: من به عنوان مادر و از روی نگرانی اقداماتی برای پیگیری وضعیت دخترم انجام داده ام و برخی از دوستان و نزدیکان نیز از روی خیرخواهی، واکنش هایی را به دلیل وضعیت خانوادگی ما از خود نشان دادند، که موجب خبری شدن این مساله و کشیدن آن به مطبوعات شد.

همسر جواد امام خاطر نشان کرد: البته در اینجا باید از تمام عزیزان و دوستانی که درگیر این ماجرا شده اند و به جهت

عواطف انسانی و اعتقادی موجبات ناراحتی آنها بوجود آمد،

عذرخواهی کنم. پس این هم یک دروغ! بگذریم و برویم سراغ اصل موضوع!

اما پس از پایان این ماجراها و در آستانه بازگشایی دانشگاه ها، و از آنجا که برخی ها از چند ماه قبل منتظر آغاز سال تحصیلی دانشگاه ها و شروع مجدد غائله ها از دانشگاه و سپس سرایت دادن آن به جامعه بودند، حتماً باید دستاویزی برای این کار خود در نظر می گرفتند.

صرف نظر از مراسم بازگشایی دانشگاه ها در دانشگاه تهران که خودش می توانست بهانه خوبی برای برخی ها به منظور تجمع باشد، روزهای بعدی و زنده نگه داشتن این موضوع برای عده ای مسلماً نیازمند بهانه بود. هر بهانه ای؛ فرقی نمی کرد. بدین ترتیب موضوعی به ذهن برخی رسید که شاید به عقل جن هم نمی رسید؛ حتی به عقل شخص شیخ میرحسین موسوی هم نمی رسید و آن جشن های تولد بود. تا هم دوستان دور هم خوش باشند و کیکی بخورند و هم اینکه هدفی را دنبال کنند.

اما برای هر کسی که نمی توانستند تولد بگیرند، بالاخره مردم می فهمند. بنابراین ۷ مهر به عنوان روز تولد میرحسین موسوی نامگذاری شد. بهترین روز هم همین روز بود، چون بعد از ۶ مهر بود و تجمع دانشگاه تهران باید اینگونه ادامه می یافت.

اما دوربین های تیزبین عکاسان در روز ثبت نام موسوی به عنوان کاندیدای انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری و تصویر صفحه اول شناسنامه نشان می داد که ...! بله! دروغی دیگر! تولد موسوی نه ۷ مهر که ۱۱ اسفند ۱۳۳۲ است.

البته موسوی که کمی تیزهوش تر از دیگران بود به سرعت دست به کار شد و طی بیانیه ای رسماً اعلام کرد که دوستان محترم! تولد من روز ۷ مهر نیست. اما...

باز هم سخن عباس عبدی: "از کودکی که درس چوپان دروغگو را می خواندیم، قابل فهم بود که عواقب دروغ چگونه گریبان دروغگو را می گیرد" بله! اینجا دیگر عواقب دروغ، گریبان موسوی را هم گرفت، چرا که دیگر طرفدارانش در دانشگاه شریف و دانشگاه آزاد تهران مرکز و برخی دانشگاه های دیگر و حتی تعدادی از مردم در میدان هفت تیر دیگر خودشان هم باور نداشتند که موسوی این بیانیه را راست راستی نوشته یا باز هم کلک دیگری در کار است!؟

بنابراین دست به کار شده و کیک های تولدشان را هم آماده کرده، شعارایشان را هم هماهنگ کردند و علیه برخی ها و له چوپان دروغگوی خودشان شعار دادند.



**خبرنامه دانشجویان ایران:** تجمع روز گذشته جمعی از سبزپوش ها در دانشگاه تهران که با شعارهای تند می علیه برخی افراد همراه بود، به مدیریت «سلمان سیما» دانشجوی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز برگزار شد. خبرنگار «خبرنامه دانشجویان ایران» گزارش داد: گسیل نیروهای عبدالله جاسبی به دانشگاه های دولتی در ادامه استراتژی ایجاد تشنج برای بهره برداری های سیاسی یک گروه خاص صورت می گیرد. در تجمع دیروز مدیریت و سازماندهی تشنج با نیروی عبدالله جاسبی است، سلمان سیما که سابقه ایجاد اغتشاش در دانشگاه های دیگر دولتی دارد، حضور فعالی در اغتشاشات دیروز دانشگاه تهران داشت. وی که در تجمع های دانشگاه های مختلف به عنوان دانشجوی آن دانشگاه حضور پیدا می کند، دیروز به عنوان لیدر اصلی تجمع دانشگاه تهران نیز حضور داشت. در تجمع روز گذشته شعارهای تند علیه برخی افراد از جمله دانشجویان دانشگاه تهران که نظر مخالفی نسبت به لیدرهای سبزها داشتند سر داده شد که بارها موجب ایجاد ناآرامی در صحن دانشگاه شد.

«آدم جاسبی در دانشگاه تهران چه کار می کرده؟!؟»

## گزارشی از پشت پرده سایت‌های زنجیره‌ای رحیمی – مشایی

خبرنامه دانشجویان ایران: رحیمی و مشایی دو چهره جنجالی دولت اصولگرای دهم که همواره مورد انتقاد دلسوزان نظام و دولت بوده‌اند، برای پیگیری اهداف خود اقدام به راه‌اندازی سایت‌های زنجیره‌ای کرده‌اند.

به گزارش خبرنگار «خبرنامه دانشجویان ایران»، پس از آنکه مواضع و عملکرد رحیمی معاون اول رئیس‌جمهور و مشایی معاون اول سابق رئیس‌جمهور و رئیس دفتر فعلی رئیس‌جمهور با انتقادات گسترده حامیان احمدی‌نژاد روبرو



شد و در این بین حتی سایت‌های معتبر حامی احمدی‌نژاد مانند رجانیوز، جهان‌نیوز و …نیز انتقاداتی را متوجه این دو چهره خبرساز ساختند، تیم رحیمی و مشایی بر آن شدند تا در اقدامی جدید، سایت‌های زنجیره‌ای راه‌اندازی کنند.

بر این اساس تیم رحیمی و مشایی در تازه‌ترین اقدام خود سایت‌های زنجیره‌ای را با نام‌هایی چون پایانیوز، راه رجا، جانا، اصولگرا، خادم‌نیوز، نهال‌نیوز، جریان، برترینیوز، رهوا، تابش‌نیوز و … راه‌اندازی کرده است تا از این طریق و به هر شکلی وجهه‌ای برای رحیمی و مشایی دست و پا کنند و یا کم کم برای ریاست جمهوری آینده آماده شوند! ثابیه‌نیوز نیز یکی از اولین سایت‌هایی است که این طیف در جریان انتخابات دهم ریاست‌جمهوری راه‌اندازی کردند که هماهنگی‌های آن را پسر و داماد مشایی برعهده داشتند و اکنون نیز با رویکرد حمایت از تیم رحیمی و مشایی به کار خود ادامه می‌دهد و اخبار اختصاصی مشایی را نیز هر از چندگاهی منتشر می‌کند. گفته می‌شود محمدرزاده معاون ارتباطات دفتر ریاست‌جمهوری به همراه دوستان خود راه‌اندازی و هدایت این سایت‌ها را پیگیری می‌کند.

**\*محمدرزاده کیست؟**

محمدرزاده از همکاران سابق رحیمی در دیوان محاسبات کل کشور است که پس از انتقال رحیمی به دولت، وی نیز به کمک رحیمی جایگزین بهداد در معاونت ارتباطات دفتر ریاست‌جمهوری شد.

محمدرزاده که در این پست خود عملکرد بسیار ضعیفی داشته و به هیچ وجه به کار حرفه‌ای و آنلاین تسلط ندارد، در جریان انتصاب اخیر رحیمی به سمت معاون اولی رئیس‌جمهور، نیروهای معاونت ارتباطات دفتر ریاست‌جمهوری را بسیج کرد و در دفتر امور رسانه‌های ریاست‌جمهوری که زیر مجموعه این معاونت است، مصاحبه‌های متعددی با نمایندگان مجلس و در حمایت از رحیمی ترتیب داد و این مصاحبه‌ها را به صورت آماده برای روزنامه ایران و خبرگزاری ایرنا ارسال کرد، در حالی که چنین اقداماتی و استفاده از امکانات بیت‌المال در این جهت جزو کارکردهای معاونت ارتباطات ریاست‌جمهوری نبوده و تنها در راستای حمایت از دوست دیرینه محمدرزاده یعنی رحیمی انجام می‌شد.

محمدرزاده برخلاف روال عادی سایت پرزیدنت که اخبار مربوط به معاون اول در صفحه دیگری (اخبار نهاد) منعکس می‌شد، اخبار مربوط به رحیمی را تاکنون در صفحه اصلی این سایت و در رده اخبار مربوط به رئیس‌جمهور منعکس کرده است.

گفتنی است، بعد از کناره‌گیری قمری‌وفا مدیرکل سابق امور رسانه‌های ریاست‌جمهوری از این سمت، محمدرزاده یکی از دوستان نزدیک خود را که پیش از آن در مجله خانوادگی خانواده سبز فعالیت می‌کرد به عنوان سرپرست این اداره کل در نظر گرفت و حتی پیش از انتصاب، وی را همراه محمود احمدی‌نژاد به اجلاس سال‌گذشته مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک اعزام کرد.

این گزارش می‌افزاید؛ سایت‌های زنجیره‌ای مذکور از عناوین ارزشی استفاده می‌کنند، به طوری که خوانندگان غیرحرفه‌ای در وهله اول متوجه تفاوت خط‌مشی این سایت‌ها با سایت‌های معتبر اصولگرایان نمی‌شوند.

در نهایت، ضروری است آقایان رحیمی و مشایی و همچنین محمدرزاده در این زمینه و در ازای سوءاستفاده از بیت‌المال در جهت امیال شخصی خود به مردم شریف ایران پاسخگو باشند.

خبرنامه دانشجویان ایران: در نماز جمعه ۲۶ تیر ماه هاشمی رفسنجانی و راهپیمایی روز جهانی قدس جریان

موسوم به سبز شعار

جالب توجه «مرگ بر روسیه» و «مرگ بر چین» به جای شعار «مرگ بر آمریکا واسرائیل» غافل از آنکه خاتمی اولین مسافر رسمی ایران به روسیه بوده است.

به گزارش خبرنگار «خبرنامه دانشجویان ایران»، محمد خاتمی در اسفند ماه سال

اولین سفر یک مقام عالی‌رتبه ایرانی را به روسیه انجام داد. وی در این سفر ۴ روزه ملاقات‌های متعددی با پوتین رئیس‌جمهور،میخایل کایانف نخست‌وزیر و ایگور ایوانف وزیر امور خارجه در کاخ کرملین به دیدار و مذاکره پرداخته بود. از جمله نکات قابل‌تأمل این سفر خاتمی آنکه، وی در این ملاقات‌ها که عمدتاً به ضیافت‌هایی در کاخ کرملین منتهی می‌شده است، بر لزوم افزایش رابطه ایران وروس ها و تأثیر این رابطه بر مسائل

## اولین مقام عالی رتبه ی ایران که به روسیه رفت چه کسی بود؟!



منطقه ای و جهانی تأکید و نبود هیچ مانعی بر سر راه این روابط را اعلام کرده بود. این سفر با حضور رئیس‌موسسه باران در

یادبود سربازان گمنام روسیه و نیز دیدار با رهبر کلیسای ارتدکس روسیه و حضور در دانشگاه‌های متعدد و مختلف مسکو تا آنجا ادامه یافت که دانشگاه دولتی روسیه به وی مدرک پرفسوری افتخاری فلسفه اعطا کرد. خاتمی در این سفر خارج از کشور تنها به

دیدار سران روس در مسکو اکتفا ننموده و در سومین روز اقامت در روسیه راهی سن پترزبورگ می‌شود تاضمن دیدار از دومین شهر بزرگ روسیه با شهردار سن پترزبورگ ملاقات کند. لازم به ذکر است خاتمی پس از انتشار بیانیه مشترک با روسیه و بازگشت به ایران با ارزیابی مثبت از این سفر هدف خود را اثبات روابط دوستانه درمیان دو کشور و عزم مسوولان آنها برای تداوم و تقویت آن در همه عرصه‌ها اعلام کرده بود.

## چرا شیخ یوسف صانعی

## به مخالفانش “توهین” می‌کند!

خبرنامه دانشجویان ایران: درخبرهای آمده است که شیخ یوسف صانعی بار دیگر به جمعی از مخالفان خود تهمت‌ها و توهین‌های ناروایی زده است.

به گزارش خبرنگار «خبرنامه دانشجویان ایران» در حالی که در تجمع تعدادی از هواداران آقای مهندس میرحسین موسوی در

دانشگاه تهران که به

مناسبت آغاز سال تحصیلی رخ داده بود یکی از شعارهای اصلی تأکید بی‌چون و چرا بر "مرجع" شناختن آقای صانعی شده بود، وی صحبت‌های بسیار تاسف‌آمیزی علیه دو مجرع بزرگ تقلید ایراد کرده است.

بر این اساس

«رجانیوز» نوشت: در ادامه هتاک‌های یوسف صانعی و سکوت دستگاه‌های مسئول، وی در اقدامی ناشایست ودور از شأن یک مسلمان، ضمن اهانت به حضرات آیات مکارم شیرازی، نوری همدانی از مراجع عظام تقلید و آیت‌الله امامی کاشانی امام جمعه تهران،خواستار مرگ آیت‌الله جنتی دبیر شورای نگهبان شد.

این سخنان مربوط به کسی است که توسط سبزوپش‌ها به عنوان یک روحانی نماد اسلام به مردم معرفی می‌شود و بر خط امامی بودنش تأکید ویژه‌ای دارند.

این سایت در ادامه می‌نویسد: وی در قسمتی از سخنان خود با ادامه ضمن افتخار به مخالفت با نظام جمهوری اسلامی گفت: قضیه آقای منتظری که اتفاق افتاد، روحانیت یا سکوت کردند و یا تأیید و تنها من بودم که در این وسط ایستادم .خیلی خوشحال هستم که تنها آخوندی بودم که مردم گفتند ضد دستگاه وضد نظام است. افتخار به دفاع از منتظری و دفاع با آب و تاب از خط امام خمینی(ره) یکی از جالب‌ترین وقایع سیاسی است که توسط آقایان میرحسین موسوی و صانعی صورت می‌گیرد.توهین به شخصیت‌ها در ملاعام و شعار ادب و تهییج افکار عمومی به رفتارهای ساختار شکنانه اگر با خط امام دشمنی نداشته باشد –که دارد- خط ایشان نیست!

رجانیوز ادامه داده است: وی در ادامه سخنان خود مرجع مردم برای دریافت اخبار را رسانه‌های بیگانه خواند و اظهار داشت: کسی که به رادیو و تلویزیون ایران توجه کند، هیچ چیزی از مسائل خیر ندارد. رسانه‌های غربی را نگاه کنید، ببینید اینها چه می‌کنند .ببینید آقای سازگارا (ضد انقلاب فراری) چه می‌گوید؟ من ایشان را آدم متدینی می‌دانم! صانعی ضمن اهانت به آیت‌الله جنتی دبیر شورای نگهبان و از بزرگان انقلاب اسلامی گفت: باید از ظالم و ستمگر ابراز براءت و تنفر و لعن کرد. چه زنده و چه مرده. این را دهن به دهن باید بین مردم پخش کرد که جوری شود روزی که جنتی انشاء الله می‌میرد، سراسر ایران چراغانی شود و مردم شادی کنند و این خیلی اثر دارد و دیگران حساب دستشان بیايد. وی ضمن طرح ادعای پشیمان شدن آیت‌الله نوری‌همدانی از تبریک گفتن به رئیس‌جمهور ادامه داد: من باور ندارم. او دست خودش نیست. می‌گویند شک بین یک

منطقه ای و جهانی تأکید و نبود هیچ مانعی بر سر راه این روابط را اعلام کرده بود. این سفر با حضور رئیس‌موسسه باران در یادبود سربازان گمنام روسیه و نیز دیدار با رهبر کلیسای ارتدکس روسیه و حضور در دانشگاه‌های متعدد و مختلف مسکو تا آنجا ادامه یافت که دانشگاه دولتی روسیه به وی مدرک پرفسوری افتخاری فلسفه اعطا کرد. خاتمی در این سفر خارج از کشور تنها به دیدار سران روس در مسکو اکتفا ننموده و در سومین روز اقامت در روسیه راهی سن پترزبورگ می‌شود تاضمن دیدار از دومین شهر بزرگ روسیه با شهردار سن پترزبورگ ملاقات کند. لازم به ذکر است خاتمی پس از انتشار بیانیه مشترک با روسیه و بازگشت به ایران با ارزیابی مثبت از این سفر هدف خود را اثبات روابط دوستانه درمیان دو کشور و عزم مسوولان آنها برای تداوم و تقویت آن در همه عرصه‌ها اعلام کرده بود.

### تلنگر قیصر به شجریان



خواستم نامه‌ای بنویسم به شجریان و خاطرات انقلاب را یادآوری کنم. یادآوری کنم که ایران امروز به واسطه خون دل خوردن‌ها، کشته‌دادن‌ها و مرارت‌ها بر مرکب اقتدار نشسته است.

خواستیم حرف‌ها

بزنم، گله‌نمایم از این بی‌موالاتی‌ها، دیدم چه بگویم که قیصر بسیار بهتر از من سروده است. شعری که در ادامه می‌آید از سروده‌های مرحوم قیصر امین‌پور است که به دوستان هنرمند خود تقدیم کرده است. روحش شاد شاید چنین روزی را پیش‌بینی میکرد که چنین زیبا و رسا تمام دردها و زخم‌های ما که متأثر از بی‌معرفتی برخی دوستان سابق است را بر قلم شعر آورده. لذا ترجیح دادیم سخن با مدعیان هنر را به بزرگان آن بسپاریم:

سرمایه دل

این حنجره این باغ صدا را نفروشید

این پنجره، این خاطرها را نفروشید

در شهر شما باری اگر عشق فروشی است

هم، غیرت آبادی ما را نفروشید

تنها، به خدا، دلخوشی ما به دل ماست

صندوقچه‌ی راز خدا را نفروشید

سرمایه‌ی دل نیست به‌جز اشک و به‌جز آه

پس دست کم این آب و هوا را نفروشید

در دست خدا آینه‌ای جز دل ما نیست

آئینه شمایید، شما را نفروشید

در پیله‌ی پروانه به‌جز کرم نلود

پروانه‌ی پرواز رها را نفروشید

یک عمر دویدیم و لب چشمه رسیدیم

این هروله‌ی سعی و صفا را نفروشید

دور از نظر ماست اگر منزل این راه

این منظره‌ی دورنما را نفروشید

تقدیم به دوستان هنرمندم قیصر امین‌پور(روحش شاد)

### واکنش دفتر آیت الله نوری

### همدانی به ادعای صانعی

درپی انتشار اهانت یوسفعلی صانعی به مراجع معظم تقلید، دفتر حضرت آیت‌الله العظمی نوری همدانی سخنان منتسب به صانعی را بی‌اساس خواند.

یکی از اعضای دفتر آیت‌الله نوری همدانی در گفتگو با خبرنگار سیاسی «شبکه خبر دانشجو»، ادعاهای مطرح شده از قول یوسفعلی صانعی در مورد آیت‌الله العظمی نوری همدانی را بی‌اساس خواند و ادعای پشیمان شدن ایشان از تبریکات گفته شده در باب انتخابات را تکذیب کرد.

عضو دفتر این مرجع عالیقدر جهان‌تشیع در رابطه با اهانت صانعی گفت: قبل از این هم به دفتر شیخ یوسفعلی صانعی گزارش شده بود که وی سه بار در مکان‌های مختلف به آیت‌الله نوری همدانی اهانت کرده است.

این منبع نزدیک به دفتر آیت‌الله نوری همدانی افزود: یکی از دلایل رد درخواست صانعی برای دیدار با حضرت آیت‌الله نوری همدانی همین ادعاهای کذب‌وی بوده است.

وی در ادامه افزود :حضرت آیت‌الله نوری همدانی همانند امام (ره) واقعبیت جامعه را از نزدیک رصد می‌کنند و هر جا لازم به نصیحت یا تذکر باشد اعلام می‌کنند.

وی در پایان گفت: اخبار مربوط به ادعاهای صانعی را بررسی کرده و در صورت اثبات بیان چنین ادعاهایی توسط نامبرده، حق پیگیری قانونی برای دفتر آیت‌الله نوری همدانی محفوظ می‌باشد